

دوفصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، سال هفتم، شماره سیزدهم، پاییز و زمستان ۹۵، صفحات ۸۱-۱۱۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۵/۱۱/۱۷

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۲/۲۳

شالبافی در جامعه ایران؛ بررسی تحولات تجارت شال در عصر قاجار (۱۲۰۹-۱۳۴۴ ه.ق/۱۷۹۵-۱۹۲۵ م)

عادل شعبانی مقدم^۱

مرتضی دهقان نژاد^۲

چکیده

از مهم‌ترین صنایع دوره قاجار، صنعت شالبافی بود. ابریشم و پشم ایران افزون بر کاربرد در تولید انواع قالی و پارچه ابریشمی، در بافت محصولی به نام شال استفاده می‌شد. با تثبیت دولت قاجار و حمایت برخی از دولت مردان، شالبافی به صنعتی مهم و با ارزش تبدیل شد. شهرهای کرمان، مشهد و کاشان به تدریج به مراکز شالبافی تبدیل گشته و نقش مهمی در رشد و بالندگی این صنعت ایفا کردند. همزمان با گسترش صنعت شال در کشور، این کالا علاوه بر اهمیت سیاسی و اجتماعی، از جنبه‌های اقتصادی و تجاری نیز جایگاه ویژه‌ای پیدا کرد؛ تا آنجا که می‌توان در پژوهشی مستقل این مسائل را مورد واکاوی قرار داد.

شناخت سیر تحولات تجارت صنعت شال، همان امری است که این پژوهش در نظر دارد با مطالعات کتابخانه‌ای و مراجعه به اسناد کنسولی بجای مانده از دوره قاجاریه و نیز به روش توصیفی - تحلیلی به آن پاسخ دهد. مسائل محوری مقاله دو مورد است: اولاً ویژگی‌ها و کاربرد شال در جامعه ایران عصر قاجار چیست؟ و مهم‌تر آن که وضعیت تجارت این کالا در دوره قاجار چگونه بوده است؟ دستاورد پژوهش نشان از آن دارد که در جامعه ایران از شال استفاده‌های متنوعی می‌شده و دارای کاربرد های فراوانی بوده است. همچنین با گسترش صنعت شالبافی در کشور، تجارت آن نیز در دستور کار دولت قاجار قرار گرفت و صادرات آن در کنار دیگر محصولات آغاز به کار کرد.

واژگان کلیدی: شالبافی، تجارت، جامعه، کرمان، قاجار.

Email: adelshabani@ymail.com

Email: mdehqannejad@yahoo.com

۱ - دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه اصفهان

۲ - استاد گروه تاریخ دانشگاه اصفهان

Shawl Weaving in Iran; shawls Survey Trade Developments in Qajar Era

(1209- 1344 AH / 1795-1925M)

A. Shabani Moghadam¹

M. Dehghan Nejad²

Abstract

One of the most important industries during the Qajar period was shawl industry. In addition to the usage of the Iranian silk and wool in producing various kinds of silk carpets and fabrics, they were used in weaving shawls. After the establishment of the Qajar government and with the support of the government officials, shawl weaving became an important and valuable industry. Kerman, Mashhad and Kashan gradually became the centers for shawl weaving and played major roles in the growth and development of this industry. Contemporary with the development of the shawl industry in Iran, this good got economical and commercial importance besides its political and social significance. In fact, this issue could be a subject of an independent research. This study tried to examine the evolution of the shawl industry implementing a descriptive-analytical approach, relying on library resources and using the remaining Qajar consular documents. Two main issues were addressed in this study: firstly, what were the characteristics and the usage of the shawls in Qajar period, in Iran? Secondly, how was the quality of the shawl trade in this period? Research showed that shawls had diverse usage and functions in Iran. Due to the development of the shawl industry in Iran, its trade turned to an agenda in the Qajar government and they began to export it.

Keywords: Shawl Weaving, Trade, Society, Kerman, Qajar.

1- PhD student of History of Islamic Iran, University of Isfahan
Email: adelshabani@ymail.com

2- Professor of History, University of Isfahan

Email: mdehqannejad@yahoo.com

مقدمه

دوره قاجاریه در ایران (۱۲۰۹-۱۳۴۴ ه. ق. / ۱۷۹۵-۱۹۲۵ م) مقارن با ظهور انقلاب صنعتی اروپا و آغاز تغییر و تحول صنعت، فرهنگ و جامعه ایرانی برای همگام شدن با بزرگ‌ترین تحول جهان معاصر خود یعنی انقلاب صنعتی محسوب می‌شود؛ به ویژه پس از آن که آرامش نسبی در زمان پادشاهی فتحعلی شاه و ناصرالدین شاه قاجار برقرار شد. تحت همین شرایط بود که ایران به یکباره با رشد صنایع جدید روبرو شد. با این وصف از نیمه قرن ۱۹م/۱۳ق بود که تولید و صادرات منسوجات ابریشمی و پشمی به عنوان یکی از صنایع قابل اعتنا در زمینه ارزآوری مطرح شد و مورد توجه تجار و دولت‌مردان قرار گرفت. از جمله صنایعی که در مقاطعی مورد حمایت دولت قاجار قرار گرفت، صنعت شالبافی بود. اگرچه شالبافی حداقل از یک هزاره قبل از دوره قاجار حرفه پررونقی بود؛ اما در دوره قاجار به اوج شکوفائی و بالندگی رسید. در این زمان بود که با تأسیس کارخانه‌های نساجی در شهرهای کرمان، کاشان و مشهد شالبافی به یک صنعت مهم و قابل اعتماد تبدیل شد. با گذشت زمان این کالا نه تنها از منظر اجتماعی مورد اقبال جامعه ایران قرار گرفت بلکه از شال به عنوان کالایی مهم در تجارت و اقتصاد کشور استفاده شد.

با ذکر دلایل و اهمیت موضوع، این پژوهش بر آن است تا به روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و با مراجعه به اسناد کنسولی به جای مانده از دوره قاجار، مطالعه تاریخ اقتصادی این دوران و نیز منابع تاریخ محلی و سفرنامه‌ها، به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

- ویژگی‌ها و کاربرد شال در جامعه ایران عصر قاجار چیست؟
- چه مناطقی از کشور در تولید شال نقش داشته و عملکرد آنان در تولید شال چگونه بوده است؟
- سیر تحول تجارت شال در این دوره چگونه بوده است؟

در زمینه کاربرد شال در جامعه ایران و به ویژه وضعیت تجارت آن در این زمان تاکنون پژوهش مستقل و مطلوبی صورت نگرفته است؛ اگرچه پیرامون شالبافی در دوره قاجار

مقالات و گزارش‌هایی تهیه شده است. بیگدلی و صحت منش در مقاله خود تحت عنوان «شالبافی کرمان در دوره قاجار (۱۲۹۶-۱۲۰۹ هـ.ق)» تلاش دارد تا علت سربرآوردن قشر عظیم شالباف و فرش‌باف را در صحنه اجتماعی کرمان و از این رهگذر حضور فعال آنان را در تحولات اجتماعی این شهر در یک برهه زمانی بررسی نماید (بیگدلی و صحت منش، ۱۳۹۴: صص ۱-۱۸). عطایی نیز در مقاله خود تحت عنوان «رساله در فن شالبافی» ابتدا به کمک رساله‌ای از حاجی مختار شاه کشمیری به علل رشد شالبافی در منطقه کشمیر هند پرداخته و سپس سیر تحول صنعت شالبافی را در این منطقه مورد بررسی قرار داده است (عطایی، ۱۳۸۷: صص ۳۹۳-۴۱۲). هیچ یک از این دو مقاله به اقتصاد شال و کاربردهای آن در جامعه عصر قاجار نپرداخته است.

در این مقاله ابتدا شرحی از جنس و بافت شال و کارگاه‌های شالبافی بیان می‌شود و آنگاه مراکز مهم شالبافی در دوره قاجار و نیز ویژگی شال‌های آن مناطق موشکافی می‌شود. سپس کارکردهای شال در جامعه عصر قاجار مورد بررسی قرار گرفته و در بخش پایانی سیر تحولات تجارت و اقتصاد شال در عصر قاجار مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

۱- توصیف شال ایرانی و ویژگی‌های آن

از صنایع مهمی که از گذشته‌های دور در جغرافیای تاریخی ایران رشد و نمو یافت، شالبافی بوده است. بسیاری از صنایع همانند فرش بافی، حریر بافی و... سابقه‌ای دیرینه در ایران دارد. شالبافی نیز از این امر مستثنی نیست. اگر چه در اوایل دوره قاجار شال‌های کشمیری که در هند بافته می‌شد و به ایران وارد می‌شد، بهترین و مرغوب‌ترین شالی بود که در ایران وجود داشت (پولاک، ۱۳۶۸: ۱۱۱)؛ اما می‌توان گفت که این صنعت از یک هزاره قبل از قاجارها در برخی از نقاط مختلف کشور نظیر کرمان و مشهد رایج بوده و به واقع صنعت شالبافی از ایران بود که به شبه جزیره هند راه پیدا کرد (عطایی، ۱۳۸۷: ۳۹۳). تولید شال ایرانی در میانه‌های دوره قاجار از سر گرفته شد. بدین ترتیب در بسیاری از روستاها و در میان اکثریت قریب به اتفاق عشایر و در میان شماری از شهرنشینان نقاط مختلف کشور بافتن قالی و شال رواج پیدا کرد (سیف، ۱۳۷۳: ۱۴۰) و رقیبی سرسخت برای

شال کشمیری شد. البته پولاک در مقایسه بین شال ایرانی و کشمیری معتقد است که شال ایرانی غالباً از نظر نقش و رنگ به شال‌های کشمیری شبیه است، اما از نظر قابلیت، انعطاف و ریزی بافت سخت از آنها عقب است (پولاک، ۱۳۶۸: ۳۷۹). در فضایی گسترده‌تر و به عبارتی در مقایسه شال‌های اروپایی با شال‌های شرقی نیز باید گفت که شال‌های اروپایی بسیار ارزانتر است، اما دوام آنها به مراتب کمتر است و از نظر تنوع و شیوه طراحی و درخشندگی رنگ در سطح بسیار پایین تری قرار داشت. هر چند هنر شرقی از نظر طراحی تا مرحله نقش شاخ و برگ بر پارچه پیشرفت بیشتری نکرده است، اما باید قبول کرد که هر بار هنرمندان آسیایی به این شیوه دست زده‌اند کار خود را بسیار استادانه انجام داده‌اند (خانیکوف، ۱۳۷۵: ۲۱۱).

روش بافت شال در ایران و مشخصات کارگاه‌های شالبافی در شهرهایی نظیر کرمان عبارت بود از اتاق‌های بزرگ گنبد داری که ۱۱ دستگاه بافندگی در آن نصب شده بود. با هر دستگاه دو یا سه نفر کار می‌کردند و یک استادکار و دو شاگرد در طرفین تحت تعلیم و نظارت او کار می‌کردند (براون، ۱۳۸۱: ۴۵۳). معمولاً کودکانی در سنین ۶-۸ سال بودند که مشغول به بافتن شال می‌شدند، چون برای بافتن شال طرح دار، انگشت‌های ظریف کودکانه لازم بود. افراد مسن تر بالغ و نیمه بالغ درگیر بافتن شال‌های ساده و بی طرح بودند (سایکس، ۱۳۶۳: ۲۳۴). تولید قالی و شال به طور کامل کار طلب بود و با استفاده از ابزارهای بسیار ابتدایی و با دست بافته می‌شد. نخ مورد استفاده با دوک‌های دستی رشته می‌شد و همه بافتن‌ها و گره زدن‌ها بر دارهای سنتی قالی بافی با دست انجام می‌گرفت (سیف، ۱۳۷۳: ۱۴۰).

شال‌های ایرانی دارای ۳ متر طول و ۱۱/۴ عرض بود (پولاک، ۱۳۶۸: ۳۷۹). انواع شال بر طبق طرح و رنگ عبارت از لاک، لاجوردی، بوته‌ای، شاهی گوزن، اهرامی، ترمه و زنگاری بود (عیسوی، ۱۳۶۲: ۴۱۶). زمینه این شال‌ها دارای یک نوع نقش بود و در دو انتهای آنها شکل نخ یا گلدانی است که با مفتول‌های سیم و زر تزیین یافته بود (دالمانی، ۱۳۳۵: ۴۴۵). حواشی اطراف آنها هم زر دوزی شده و دارای نقشه‌ای است که از نباتات اقتباس شده و مانند قابی نقش مرکزی را احاطه کرده بود. بعضی از این شال‌ها یکپارچه و

بعضی مرکب از ۲ قطعه کم عرض هستند که طولاً به هم اتصال یافته‌اند و دو پارچه بودن آنها به این علت است که گذراندن ماکو در عرض زیاد برای نساجان خالی از اشکال نیست (دالمانی، ۱۳۳۵: ۴۴۵). در داخل پارچه‌های شالی به صورت حاشیه بریده می‌شود و برای حاشیه بافی پارچه‌ها به کار می‌رود (عبسوی، ۱۳۶۲: ۴۱۶). با این ویژگی‌ها و شرایط بود که در زمان قاجار شالبافان آغاز به کار کرده و شال‌های زیبایی با دستان خود بافتند.

۲- مهم‌ترین مراکز شالبافی در ایران

با حمایت شالبافان و صنعت شالبافی در عصر قاجار، تولید شال در نقاط مختلف کشور بار دیگر آغاز شد. از مهمترین مناطقی که در ترقی و تولید شال نقش مهمی ایفا کردند، به ترتیب شهرهای کرمان، مشهد و کاشان بود. در این بخش تلاش شده است تا نقش هر یک از این مراکز در رشد صنعت شالبافی و نیز ویژگی شال‌های این مناطق به طور جداگانه مورد بررسی گیرد.

۲-۱- کرمان

بهترین نوع شال در زمان قاجار در کرمان بافته می‌شد. شهر کرمان و نواحی اطراف آن از مهم‌ترین مناطقی بود که صنعت شالبافی را ترقی داد و نقش چشمگیری در رونق شالبافی در ایران داشت. صنعت عمده کرمان شالبافی بود. این شال در مقایسه با پارچه‌هایی از این نوع که در کشمیر بافته می‌شد از ظرافت کمتری برخوردار بود، اما قیمت آن ارزانتر و نقوش آن متنوعتر و رنگ آن به همان زیبایی و ثبات بود (خانیکوف، ۱۳۷۵: ۲۱۱). پیشینه شال بافی در کرمان به قبل از دوره قاجار بر می‌گردد. بارتولد در مورد پیشینه شالبافی و قالی‌بافی در بزم و کرمان می‌نویسد: «... در آن زمان (قرن دهم میلادی) بافتن شال‌های کرمان که تا به امروز معروف است در بزم تمرکز یافته بود» (بارتولد، ۱۳۰۸: ۱۹۸). اما با این وجود، اوج گسترش و رونق صنعت شالبافی کرمان در عصر قاجار بوده است؛ تا آنجا که اعتمادالسلطنه از تلاش دولت‌مردان قاجار جهت رونق شالبافی در کرمان سخن گفته و اعتقاد دارد «در سال ۱۲۶۷ ق کارگزاران دولت علیه در خوبی شال کرمان اهتمام نمودند» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۰۴۸/۲). اولیویه علت رونق شالبافی در کرمان را این‌گونه بیان

کرده است:

«در کوهستان کرمان یک جنس مخصوصی از بز باشد که موی وی به قدری کوتاه تر و قدری کلفتتر است؛ اما به غایت نرم و این السس است در آن مملکت تمامی به مصرف برسد بعد از زدن و حلاجی کردن، دو قسم مختلف از آن جدا کنند: قسمت زبرتر که در آن موهای کلفت باشد و به مصرف نصج پارچه که مشابه صوف مملکت است، برسانند. از قسمتی که بسیار نرم و لطیف باشد، شالی بافند که قریب به شال کشمیری است» (اولیویه، ۱۳۷۱: ۱۸۵).

در این زمان بود که شال‌های کرمانی را به مرغوبی و ممتازی شال‌های کشمیری بافتند؛ طوری که همگان در تشخیص شال‌های کرمانی که به شال امیری معروف بوده از شال کشمیر درماندند (مستوفی، ۱۳۸۴: ۷۵/۱). دلیل شهرت شال امیری مربوط است به فعالیت‌های امیرکبیر در تشویق بافت شال‌های کرمانی که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

محل بافت شال کرمانی در خور توجه است. بنا به گزارش کیت ابوت، در کرمان شال را در اتاق‌های مخصوصی می‌بافند که سقف کوتاه و تاریک دارد و دارای فضایی بدون جریان هوا است و هر اتاق ۴ تا ۱۰ دار بافندگی را براساس ظرفیت خود در بر می‌گیرد (سیف، ۱۳۷۳: ۱۹۵). اتاق‌هایی به طول و عرض ۲۴ و ۱۴ فوت که در آن ۸ دار بافندگی وجود داشته و ۳ بافنده خردسال بر روی هر شال کار می‌کرده‌اند و آنکه در وسط می‌نشیند سر بافنده است که رنگ‌ها و طرح‌ها را از حفظ می‌داند (سایکس، ۱۳۶۳: ۲۳۴). رواج و عمومیت شالبافی در کرمان آن‌چنان بود که به قول حاج سیاح «اهل کرمان از شدت اضطراب اولاد خود را به شالبافی و فرش بافی می‌فرستند» (سیاح، ۲۵۳۶: ۱۶۴). حقوق شالباغان نیز طبق برآورد ادوارد براون سالانه از ۱۰ تومان یا ۳۰ لیره شروع می‌شد و به تدریج به ۲۴ الی ۲۵ تومان افزایش می‌یافت (براون، ۱۳۸۱: ۴۵۳).

شال‌های بافته شده در کرمان کیفیت‌های متفاوت داشتند. به واقع شال‌ها را از طرح و نقشه‌ای که در خاطر داشتند می‌بافتند (کرزن، ۱۳۸۰: ۲۹۹/۲). بهترین آنها که ۳ تا ۳/۵ تا ذرع بلندی دارد ۱۲ تا ۱۵ ماه طول می‌کشید و در محل کارخانه دانه‌ای ۴۰ تومان تا ۵۰ تومان به فروش می‌رسید (براون، ۱۳۸۱: ۴۵۴). نمونه‌های مختلفی از شال در کرمان بافته

شده است. یک نمونه از آن، شال کوسه نام داشت که نوع نازکی از شال بود و به پارچه‌های کشمیر اروپایی شهرت داشت و به قیمت ۵ تا ۶ تومان بود (پولاک، ۱۳۶۸: ۳۷۹). نمونه دیگر، شالی است که به آن سلسله می‌گفتند. زمینه این شال ساده بود و زنان با سوزن و نخ پشمی نقش‌های مطلوبی در روی آن به وجود می‌آوردند (دالمانی، ۱۳۳۵: ۴۵۴). تصویر زیر نمونه‌ای از شال پشمی کرمان با بافت جناغی و در ده رنگ است که اکنون در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن نگه داری می‌شود (بیکر، ۱۳۸۵: ۱۴۵).



نواحی مختلف ایالت کرمان نیز در پدید آمدن این صنعت و رشد آن موثر بودند. بردسیر از جمله نواحی اطراف کرمان است و دارای کارخانه‌های شالبافی بود که جنس شال آن با وجود مرغوبیت، از شال‌های کشمیر خیلی پست‌تر بود (دروویل، ۱۳۶۵: ۱۸۱). رونق و توسعه شالبافی در کرمان در زمان قاجار آن چنان سرعت گرفت که روششوار اعتراف کرد «شهر کرمان آمادگی دارد که به یک شهر بزرگ صنعتی و بازرگانی تبدیل شود؛ چرا که در مرز بلوچستان و سیستان قرار دارد و پشم گوسفندان این دو ایالت به کرمان می‌آید و ماده خام برای کارگاه‌های شال بافی و پارچه بافی است» (روششوار، ۱۳۷۸: ۳۳). به این ترتیب، رونق و توسعه صنعت شالبافی کرمان در عصر قاجار زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی قابل ملاحظه‌ای برای کشور ایجاد کرد که در بخش‌های بعدی به آن پرداخته می‌شود.

۲-۲- مشهد

مشهد به واسطه وسعت و جمعیت فراوان خود همواره نقش قابل توجهی در توسعه

صنایع ایران داشته است. به همین سبب مشهد در کنار کرمان دومین منطقه‌ای بود که در کار بافت شال فعال شد و صنعت شالبافی آن در عصر قاجار ترقی خاصی پیدا کرد. به اعتقاد چارلز عیسوی در عصر قاجار مراکز اصلی تولید شال در ایران دو شهر کرمان و مشهد بود (عیسوی، ۱۳۶۲: ۴۱۵). ارزش و مقبولیت شال خراسانی از نامه امین‌الضرب به حاج ابوالقاسم اصفهانی مقیم استانبول در خصوص تقاضای وی جهت دریافت شال به وضوح دیده می‌شود. آنجا که عنوان کرده:

«شال خراسانی یک بار ابریشم خراسانی هم از مشهد فرستاده‌اند آقا محمد علی با برنج‌ها از راه بادکوبه حمل خواهد کرد. شال خراسانی سفارش کرده‌ام هر وقت برسد می‌فرستم» (مهدوی و افشار، ۱۳۸۰: ۱۱۷).

از مشخصات ظاهری شال مشهدی و نیز مشخصات کارگاه‌های شالبافی در منابع سخن نیامده است، ولی به نظر می‌رسد که تفاوت آن چنانی میان شال کرمانی و مشهدی نباید وجود داشته باشد؛ چرا که برای بافتن شال مشهدی از پشم کرمان استفاده می‌شده است (پولاک، ۱۳۶۸: ۱۱۱). به هر جهت شال مشهدی پس از شال کرمانی معروف‌ترین شال در ایران بوده و نقش مهمی در اقتصاد خراسان داشته است.

۳-۲- کاشان

کاشان از صدها سال پیش به عنوان قطب ابریشم بافی، نساجی و حریر بافی ایران شناخته می‌شد. هنرمندان و صنعت‌گران کاشانی در به وجود آمدن این شرایط نقش چشمگیری در کاشان ایفا کردند. آن چنان که هانری رنه دالمانی که در زمان قاجارها به ایران آمده از صنعت کاشان این گونه یاد می‌کند: «شهر کاشان در تمام دنیا معروف است زیرا که علاوه بر پارچه و قالی، قالیچه‌های بسیار ممتازی هم در این شهر بافته می‌شود که بر تمام کشورهای باختری صادر می‌گردد» (دالمانی، ۱۳۳۵: ۴۵۰). همچنین عبدالرحیم ضرابی مؤلف کتاب *تاریخ کاشان* هنگام بحث در مورد صنایع کاشان، بیان می‌کند:

«در عمل نساجی و شعربافی استادان کامل و نقش‌بندان ماهر به ظهور می‌آید، از اطلس و صوف و قنویز و خارا و زری‌های الوان و مشجر و محرمات و مخمل یک رنگ و الوان و قطنی و دارایی و قدک در کمال خوبی و امتیاز به عمل می‌آید و کدالک سایر صنایع» (ضرابی،

۱۳۴۱: ۲۲۷).

مخمل‌های زربفت و پر نقش و نگار که اکنون نمونه‌های آنها در اروپا بافت می‌شود با دست صنعت گران کاشانی به وجود می‌آمد (دالمانی، ۱۳۳۵: ۸۷۰). اگرچه در دوران فتحعلی شاه، کاشان به تنهایی ۱۴ هزار کارخانه شعربافی داشت (آدمیت و ناطق، ۱۳۵۶: ۲۷۰)؛ اما تلاش‌های امیرکبیر نیز در تسریع روند صنعتی شدن کاشان بی‌تأثیر نبود. وی علاوه بر احداث کارخانه‌های حریربافی و شعر بافی، در اقدامی جالب دو نفر از حریربافان کاشان را به استانبول فرستاد که تهیه ابریشم را با اسلوب جدید بیاموزند؛ چرا که امیرکبیر به تهیه ابریشم علاقه خاص داشت و ابریشم کاشان در عهد او رونقی به سزا گرفت (عیسوی، ۱۳۶۲: ۴۵۵). با وجود همه این امکانات، همواره هنگام بحث در مورد صنعت شالبافی دوره قاجار از دو شهر کرمان و مشهد به عنوان دو قطب برتر صنعت شالبافی یاد کرده‌اند. با وجود این مسئله، اگرچه کرمان و مشهد از کاشان مهم‌تر و معروف‌تر به نظر می‌رسند؛ اما در کاشان به واسطه سابقه نساجی و حریر بافی، پارچه‌های ابریشمی گلدار، اطلس، به ویژه زرهای که هم محکم و هم ظرافت خاصی دارند تهیه می‌شده (فلاندن، ۱۳۲۴: ۱۰۷) و نیز یک نوع پارچه ابریشمی بافته می‌شد که نقش آن شبیه به نقش شال‌های کرمانی بود (دالمانی، ۱۳۳۵: ۴۵۴).

شال‌های کاشان مشهور به شال‌های حسینقلی خانی - به احتمال فراوان حسینقلی خان اسم نقاش مشهوری در کاشان بوده - است و به اعتقاد بسیاری مشهورترین شال‌های ایرانی بود و بر تمام منسوجاتی که در ایران بافته می‌شد از حیث صنعت برتری داشت (جمال زاده، ۱۹۱۵: ۷۹؛ کرزن، ۱۳۸۰: ۱۵/۲). تار شال کاشان اغلب ابریشم سیاه یا آبی و یا بنفش تیره بود و در بافتن آنها ۸ تا ۷ ماکو با نخ‌های مختلف الوان به کار می‌رفت (دالمانی، ۱۳۳۵: ۴۵۴). طول شال‌های کاشان ۴ یا ۵ متر و عرض آن حدود ۶ سانتی متر بود. بر طبق گزارشات، نقوش به گونه‌ای طراحی می‌شدند که وقتی لوله می‌شدند به نظر می‌رسید که شال کمر دو پارچه جدا از هم است که یکی از آنها راه راه و دیگری گلدار است. به طور معمول نقش مایه‌های تکی از گیاهان گلدار هر دو انتهای شال را تزیین می‌کرد. در حالی که بقیه شال دارای نقش راه راه با راه‌هایی افقی باریک بود که مواجی گلدار یا ردیف برگ

مانند داشتند (دلواله، ۱۳۷۰: ۱۴۱؛ بیکر، ۱۳۸۵: ۱۲۱). شال کاشان دارای نقش‌های کوچکی بود که از ۶ تا ۷ رنگ مختلف مرکب شده و به نظر بسیار زیبا می‌آمد و به قیمت ۱۵ تا ۲۵ قران به فروش می‌رسید (جمال زاده، ۱۹۱۵: ۷۹). تصویر زیر نمونه‌ای از شال ابریشمی کاشان در زمان قاجار را نشان می‌دهد (بیکر، ۱۳۸۵: ۱۲۱).



استفاده از ابریشم، مهم‌ترین ویژگی شال کاشان است. شاید علت اصلی بافت شال ابریشمی در کاشان، وفور ابریشم در کاشان باشد و همین مسئله باعث رونق منسوجات ابریشمی و پشمی نظیر شال می‌شد. یک تاجر انگلیسی که در سال ۱۰۰۸ ق/ ۱۶۰۰ م، در کاشان بوده، ادعا می‌کند که مقدار ابریشمی که به کاشان آورده می‌شد از مقدار ماهوتی که به لندن وارد می‌شد بیشتر بود (سیف، ۱۳۷۳: ۳۴). همچنین در اوایل قرن ۱۱ ق/ ۱۷ م، جان کارترایت عنوان کرده که ابریشمی که سالیانه برای بافت وارد کاشان می‌شد بیشتر از پنبه‌ای بود که وارد لندن می‌شد (جمال زاده، ۱۹۱۵: ۵). محبوبیت شال کاشان در زمان قاجار آن چنان است که کرزن هنگام معرفی کاشان در خاطراتش عنوان می‌کند: «ظاهراً از روزگاران قدیم کاشان به ۵ چیز مشهور بوده است استعداد صنعتی اهالی آن، شال ابریشم، کارهای مسگری، کاشی سازی و عقرب» (کرزن، ۱۳۸۰: ۱۴/۲). این مطلب خود گواهی بر مقبولیت شال کاشان دارد.

۳- کاربردهای شال در جامعه ایران عصر قاجار

گسترش و ترقی هر چه بیشتر صنعت شالبافی در دوره قاجار به ویژه در زمان ناصرالدین شاه سبب شد تا جامعه ایران به سمت و سوی این صنعت پیش برود. شال‌های دوره قاجار از جنبه‌های مختلف اجتماعی از اهمیت فراوان برخوردار شد و این کالا نقشی بی‌بدیل در فرهنگ و آداب و رسوم مردم ایفا کرد. اهمیت شال در بین مردم در آثار سفرنامه نویسان به روشنی قابل دیدن است. برای نمونه گاسپار دروویل مؤلف کتاب *سفر در ایران* از کاربرد شال در بین مردم این گونه سخن گفته است:

«ایرانی‌ها روی کمرگاه یک کمر بند شال می‌بندند غالباً از روی همین شال و دشنه‌ای که به پر شال می‌گذارند می‌توان مقام و یا متمول بودن اشخاص را حدس زد» (دروویل، ۱۳۶۵: ۴۰).

یکی از مهم‌ترین کاربردهای شال در جامعه عصر قاجار استفاده از آن در اجزای لباس است؛ طوری که مردم سعی داشتند به شیوه‌های مختلف از شال برای آراستن خود استفاده کرده و به داشتن کمری باریک و سینه پهن و شانه عریض و اندام متناسب و زیبایی خود بیالند (ویلز، ۱۳۶۸: ۳۶۳). مردان ایرانی علاقه زیادی نسبت به بستن شال به دور کمر خود داشتند و زن‌ها در خانه معمولاً سر خود را با پارچه شالی می‌پوشاندند که گوشه‌های آن از پشت آویزان باشد (پولاک، ۱۳۶۸: ۱۱۶) و نیز به جای زینت لباس خود به کار می‌بردند (سایکس، ۱۳۶۳: ۲۳۴؛ فلانندن، ۱۳۲۴: ۵۳). تقریباً همه انواع لباس‌ها در حاشیه به باریکه‌های شال ختم می‌شده و از آن گذشته بسیاری از لباس‌ها با نوارهای گران قیمت شال حاشیه دوزی می‌شده است (پولاک، ۱۳۶۸: ۱۰۹). شال نه تنها در لباس مردان و زنان، بلکه برای درست کردن عمامه نیز از آن استفاده می‌شد (پولاک، ۱۳۶۸: ۱۰۸). معمولاً روحانیون، بازاری‌ها، کسبه و تجار و بیشتر مردان از اقشار مختلف جامعه عادت به بستن این نوع شال‌ها به دور کمر داشتند و به خصوص پیرمردان و قدیمیان و کارکنان دولتی که علاقه زیادی به بستن آن نشان می‌دادند (ویلز، ۱۳۶۸: ۳۶۱). لوطی‌ها نیز گروه دیگری از مردم بودند که از شال استفاده فراوانی می‌کردند. آنان شال را دور کمر خود می‌پیچیدند و سر و ته آن را در جلو شکم و روی ناف از هم می‌گذراندند به طوری که تقریباً شکل لا الف لا در آن ایجاد می‌شد (مستوفی، ۱۳۸۴: ۳۰۴/۱). به واقع لوطی‌ها در این زمان برای تقویت

اجتماع منسجم خود از نشانه‌های ویژه‌ای مانند شال گردن ابریشمی و زنجیر یزدی استفاده می‌کردند (آبراهامیان، ۱۳۹۰: ۳۰).

گمان می‌رود که علت بستن شال به دور کمر توسط بسیاری از مردم علاوه بر زیبایی و آراستن خود، دلایل دیگری نیز داشته باشد. فرو بردن خنجر یا سلاحی در زیر شال برای فراشان حکومتی و دولت مردان جهت محافظت از خود به طوری که دسته خنجر معمولاً بیرون از شال قرار داشت و در دسترس کامل صاحب آن قرار می‌گرفت (بروگش، ۱۳۷۴: ۱۴۶)، گذاشتن لوله کاغذ و قلمدان در پر شال خویش توسط ادبا، دانشمندان، تجار، مستوفیان و منشیان که هیچ‌گونه دفترخانه و آرشیوی وجود نداشت که بتوان راجع به موضوعی از روی اسناد و مدارک تحقیق کرد؛ همانند معین البکاء که نسخه‌های نقش تمام شبیه خوانها را به شکل یک دسته رطلی کاغذ مرتب کرده و به جلوی شال خود جای می‌داد (مستوفی، ۱۳۸۴: ۲۹۷/۱؛ دالمانی، ۱۳۳۵: ۲۹) و برای دیگر مردم نیز لا به لای شال به عنوان جیب، جهت قرار دادن بعضی وسایل مثل دستمان و غیره به کار می‌رفت (ویلز، ۱۳۶۸: ۳۶۱). به هر حال استفاده از شال در زمان قاجار به منظور تزیین لباس از چنان اهمیتی برخوردار بود که حتی نجبا و ثروتمندان از آن استفاده می‌کردند (دروویل، ۱۳۶۵: ۴۰). حتی سیاسیون هم از این قاعده مستثنی نبودند. آن چنان که «جناب آقای سید ضیاء الدین وکیل امروزه مجلس شورای ملی... به شال وطنی و کلاه پوستی ملبس شده بود» (مستوفی، ۱۳۸۴: ۲۲۴/۱).

یکی دیگر از کاربردهای شال در جامعه عصر قاجار، استفاده از آن توسط شاهان به عنوان هدیه و پیشکش به مقامات بود. برخی از مواقع شاهان قاجار برای قدردانی از مقامات بلندپایه کشور، همراه با دیگر وسایل، از شال نیز استفاده می‌کردند. آن چنان که هینریش بروگش در کتاب *در سرزمین آفتاب* عنوان می‌کند:

«شاه برای شخص بالا مقام، تن پوش‌هایی از شال گران قیمت کشمیر، کرمان و مشهد به افراد هدیه می‌دهد» (بروگش، ۱۳۷۴: ۱۷۲).

ایام نوروز یکی از مناسبت‌هایی بود که شاه قاجار بسته به اهمیت و مقام افراد، شال‌هایی

به عنوان انعام و بخشش به کلیه درباری‌ها اعطا می‌کرد (شیل، ۱۳۶۸: ۹۵). البته پولاک معتقد است که «دریافت خلعت شاهانه که همان شال است به معنی انتصاب و تایید مقام آنها است؛ چه هر گاه خلعتی دریافت نکنند به معنای آن است که قریباً از شغل خود عزل می‌شوند زیرا در هر نوز یا باید مقام و منصب حاکم تایید شود یا جانشینی برای او بفرستند» (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۵۴). هدیه دادن شال از طرف شاه تنها مربوط به مقامات و درباریان نمی‌شد، بلکه به اعضای سلطنتی و سفرا و مقامات کشورهای دیگر نیز اهدا می‌گردید. طبق گفته عبدالله مستوفی «ناصرالدین شاه به شوهر خواهر خود عطایایی خصوصی از قبیل شال و یا انگشتر یا خرقة و لباده و غیره هدیه می‌داده است» (مستوفی، ۱۳۸۴: ۸۱/۱). همچنین سفیر فرانسه از طرف محمدشاه دو شال اعلی و گردن بند مروارید دریافت کرد (فلاندن، ۱۳۲۴: ۱۴۳). از طرف ناصرالدین شاه نیز دو طاقه شال ممتاز که به ۱۰۰۰ روبل تخمین زده شد و نشان آفتاب که الماس نشان بود با فرمان رسمی به الکسیس سولتیکف داده شد (سولتیکف، ۱۳۶۵: ۱۰۴). برخی از مواقع نیز والیان ایالت‌ها برای نشان دادن قدرت خود به افراد مختلف شال پیشکش می‌نمودند. برای نمونه «در سال ۱۲۹۳ ق عزت الدوله حرم جناب جلالت مآب اجل فرمانفرما به تکیه مشیرالملک تشریف فرما شدند یک طاقه شال ترمه و ۱۰۰ تومان پول با یک غلام سیاه خواجه مشیرالملک پیش کش نموده بودند» (سعیدی سیرجانی، ۱۳۸۳: ۴۸).

هدیه دادن شال به افراد و مقامات کشوری آن چنان بود که شاه قاجار می‌بایست در صندوق خانه خود همیشه طاقه شال کرمانی و کشمیری و جبه و فرقه و کلجه ترمه‌ای دوخته و همچنین عصا و شمشه و ... را حاضر داشته باشد (مستوفی، ۱۳۸۴: ۳۹۴/۱). بخشی از شال‌هایی که به افراد اعطا می‌شد، از محل هدایای والیان و حاکمان ایالت‌ها بود که در طول سال برای دولت هدیه می‌فرستادند. این شال‌ها در صندوق خانه ضبط می‌شد و به مصرف لباس شخصی شاه و خلعت‌های اعطایی می‌رسید (مستوفی، ۱۳۸۴: ۴۰۸/۱). طبق برآورد روششوار هر ساله شاه قاجار برابر ۳/۷۰۰/۰۰۰ تومان شال و مدال نشان و جنگ افزار به این و آن می‌بخشید (روششوار، ۱۳۷۸: ۷۷).

از دیگر کاربردهای شال می‌توان به استفاده ابزاری از آن به عنوان مالیات نام برد. در

این دوره بسیاری از مردم هنگام پرداخت مالیات خود، به جای پول نقد از اهدای شال استفاده می‌کردند. برای نمونه در کرمان که اکثر مردم آن شالباف بودند، نیمی از مالیات خود را شال و غیره می‌فرستادند و نیمی دیگر آن را نقد می‌دادند (آدمیت و ناطق، ۱۳۵۶: ۳۹۲). تخمین زده می‌شود که کل درآمد حاکم کرمان از این منبع یعنی مجموع جریمه‌ها و شال‌هایی که بعداً توسط حاکم به فروش رسید بیش از ۱۰۰/۰۰۰ روپیه معادل ۱۲۵/۰۰ لیره بود که این مقدار برابر نصف کل درآمد‌های مالیاتی سالیانه ایالت کرمان بود (سیف، ۱۳۷۳: ۱۷۰). حتی در دادن رشوه نیز از شال استفاده می‌شد و تقریباً همه نوع رشوه را با شال می‌دادند (پولاک، ۱۳۶۸: ۱۱۲). همچنین این پارچه حتی در معاملات، مانند پول نقد در جریان بود و از آنجا که ارزش این پارچه در طی سال‌ها هیچ کاسته نمی‌شد، در هر خانه قسمتی از ثروت منقول صرف خریدن شال می‌شد و در وقت تنگدستی آن را فرو گذاشته و بعد باز آن را از فرو بیرون می‌آوردند. بدین ترتیب بود که اغلب شال از چند نسل به یکدیگر به ارث می‌رسید (پولاک، ۱۳۶۸: ۱۱۱).

علاوه بر این موارد، مردم از شال استفاده‌های دیگری نیز می‌کردند. از جمله برای تزئین شتر در روز عید قربان (بروگش، ۱۳۷۴: ۱۵۴)، در آراستن مجموعه‌های مسین یا نقره‌ای (پولاک، ۱۳۶۸: ۹۵)، در مجالس ختم و تدفین (دالمانی، ۱۳۳۵: ۲۷۴) و یا هنگام استقبال از مقام دولتی در یک روستا که اهالی آن منطقه شال‌های گران قیمت را زیر پایش می‌گستراندند (بروگش، ۱۳۷۴: ۲۰۰). همچنین برای پرده در بعضی خانه‌ها معمولاً از شال استفاده می‌شد (پولاک، ۱۳۶۸: ۵۹). شال در مراسم جشن عروسی یکی از هدایایی بود که به عروس داده می‌شد (دالمانی، ۱۳۳۵: ۲۵۷) و به واقع یکی از شروط دختر برای ازدواج علاوه بر لباس، جواهر، پول و ملک، شال بود (دروویل، ۱۳۶۵: ۶۷) که می‌بایست به دختر داده می‌شد تا به ازدواج رضایت دهد. این موارد از جمله کاربردهای مهم شال در جامعه ایران عصر قاجار است که در منابع و سفرنامه‌های این زمان به آن اشاره شده است. در نتیجه استفاده فراوان شال در میان مردم، جنبه اقتصادی شال نیز اهمیت فوق‌العاده‌ای پیدا کرد.

۴- روند تجارت شال در دوره قاجار

با گسترش صنعت شالبافی و نیز توجه پادشاهان و دولت‌مردان قاجار، در این دوره به تدریج زمینه برای تجارت این کالا مهیا شد و در نتیجه بعضی از شهرها به عنوان پایگاه‌های جدید اقتصادی شالبافی شناخته شدند (فوران، ۱۳۹۰: ۱۹۸). روند رو به رشد شالبافی در عصر قاجار از یک طرف توجه جامعه را به خود جلب کرد و از طرف دیگر نقش پر رنگی در اقتصاد دولت ایفا کرد. اگر چه تجارت شال با نوسانات شدیدی همراه بود؛ اما در مقاطعی توانست ارزش مورد نیاز کشور را تأمین کند. طبیعتاً شهرهای دارای صنعت شالبافی نقش چشمگیری در توسعه تجارت آن داشتند. شواهد موجود نشان می‌دهد که درآمد ناشی از فروش قالی و شال برای روستاییان نیز قابل توجه بوده است (سیف، ۱۳۷۳: ۱۴۳). در این بخش تلاش می‌شود تا بر پایه‌ی فراز و فرود تجارت شال در عصر قاجار، مهم‌ترین مسئله‌ی مقاله مورد واکاوی و تحلیل قرار گیرد.

۴-۱- رونق تجارت شال

داده‌های اقتصادی حکایت از آن دارد که روند تجارت شال در این دوره به طور ثابت نبوده؛ بدین معنی که تا قبل از دوره‌ی ناصرالدین شاه تجارت شال بیشتر جنبه‌ی داخلی داشته و تنها مصرف خانگی داشته است. شکوفایی اقتصادی شال در عهد قاجار از نیمه‌ی دوم قرن ۱۳/م ۱۹ ق اتفاق افتاد؛ آن زمان که امیرکبیر با تلاش فراوان خود، در راه فعالیت‌های اقتصادی قدم نهاد. البته روند گسترش صنعت شالبافی و توسعه‌ی آن از همان ابتدای دوره قاجار آغاز شده و در زمان امیرکبیر این روند شتاب بیشتری به خود گرفت؛ به این دلیل که وی تولید شال را مورد تشویق و حمایت خود قرار داد. همین مسئله سبب شد تا بازار مال-التجاره‌های خارجی از رونق بیافتد. در این زمان شال‌ها به قیمت ۵۰ تا ۶۰ دوکات بافته می‌شد و قیمت آن به ندرت به پای قیمت شال‌های هند می‌رسید (عیسوی، ۱۳۶۲: ۴۱۶). توجه به صنعت شال سبب شد تا صادرات آن در کنار دیگر محصولات در دستور کار قرار گیرد. صادرات ایران در این زمان شامل محصولات نظیر تنباکو، خشکبار، قالی، روناس، تریاک و انواع شال‌های ایرانی بود (روششوار، ۱۳۷۸: ۱۷۷).

کرمان مهم‌ترین منطقه‌ای بود که در تجارت شال نقش داشت. طبق برآورد سرپرسی سایکس تعداد دستگاه‌های دایر شالبافی در کرمان به سه هزار تعداد بالغ می‌شد و سالیانه ۳۰۰/۰۰۰ هزار تومان که معادل ۶۰/۰۰۰ هزار لیبره استرلینگ بود شال از دستگاه خارج می‌شد (سایکس، ۱۳۶۳: ۲۳۵). در این زمان بیشترین حجم صادرات کرمان را انواع و اقسام شال و منسوجات پشمی تشکیل داده بود (وزیری، ۱۳۸۵: ۱۱۹). تعداد زیاد دستگاه‌های شالبافی از یک سو حاکی از رونق این صنعت در کرمان دوره قاجار بود و از سوی دیگر نشان دهنده عدم تمرکز و شکل‌گیری کارخانه و در نتیجه عدم انباشت سرمایه بود (رزاقی، ۱۳۶۷: ۴). بهای شال‌های کرمانی منوط به جنس هر طاقه از ۱۶ تا ۲۴ لیبره استرلینگ بود (کرزن، ۱۳۸۰: ۲۹۹/۲).

شال از کاشان نیز در این زمان به نقاط مختلف صادر می‌شد؛ هر چند که اطلاعات و گزارشات مختصری در باب تجارت شال در کاشان وجود دارد و هیچ‌گونه اعداد و ارقامی در باب تجارت شال کاشان در منابع و اسناد دیده نمی‌شود. کلانتر ضرابی از معدود افرادی است که گزارشاتی حاکی از تجارت منسوجات ابریشمی از قبیل شال را بیان کرده:

«مال التجاره از کاشان منحصر است به پنبه و ریسمان و تنباکو و بعضی از سال‌ها بادام و کدالک کرباس و قدک رنگ شده بیدگل و اقمشه ابریشمی از قبیل انواع مخمل و شال و خارا و قناویز و اطلس و ختایی و صدف و ... دریافت می‌نمایند و آنچه خارج می‌شود به هذا التفضیل وجهی مأخوذ می‌دارند» (کلانتر ضرابی، ۱۳۴۱: ۲۲۸).

در فاصله سال‌های ۱۲۶۶-۱۳۲۱ق/ ۱۸۵۰-۱۹۰۴م، شمار دارهای بافندگی ۳۳ درصد افزایش یافت در حالی که ارزش شال به تومان ۳ تا ۴ برابر شد. مقدار ارزش شال‌های تولید شده در سال ۱۲۶۶ق/ ۱۸۵۰م و هم‌زمان در دوره صدارت امیرکبیر ۹۰/۰۰۰ - ۱۰۰/۰۰۰ تومان برآورد شده؛ ولی افزایش ارزش شال به لیبره استرلینگ کمتر بود؛ یعنی از ۴/۰۰۰- ۴۵/۰۰۰ لیبره در سال ۱۲۶۶ق/ ۱۸۵۰م، به ۶۰/۰۰۰ لیبره در سال ۱۳۲۱ق/ ۱۹۰۴م رسید (سیف، ۱۳۷۳: ۱۷۹). اگرچه صادرات شال در سال‌های صدارت امیرکبیر فوق‌العاده رونق یافت؛ اما پس از وقفه‌ای کوتاه مدت در تجارت شال، از اواخر سال‌های قرن ۱۹م/ ۱۳ق تجارت شال مجدداً سیر صعودی خود را طی کرد.

این کالا از طریق جاده‌های تجاری به نقاط مختلف صادر می‌شد. برای نمونه ارزش کل صادرات قالی و شال در سال ۱۸۴۴م/۱۲۶۱ق، تنها از مسیر تبریز ۹۵/۰۰۰ لیره استرلینگ می‌شد (سیف، ۱۳۷۳: ۱۷۱). شال‌های بافته شده در کارخانه دانه‌ای ۴۰ تا ۵۰ تومان به فروش می‌رسید و الباقی آن به بازار قسطنطنیه فرستاده می‌شدند (براون، ۱۳۸۱: ۴۵۴). طبق عایدات گمرک خانه تبریز، محصولات نظیر ابریشم، تنباکو و شال اهم صادرات بودند که به ترکیه صادر می‌شدند (عیسوی، ۱۳۶۲: ۱۷۵). اعتمادالسلطنه نیز بر این مطلب صحه گذاشته و می‌گوید: «شال کرمان از راه طرابوزان ۶۰ لنگه بود» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۵۶۴/۱). همچنین بخش مهمی از تجارت شال با مناطقی چون ماوراءالنهر و ترکستان صورت می‌گرفت که در حوزه روسیه قرار داشتند. علاوه بر آن‌ها کشورهای عربی هم خریدار این کالا بودند (وزیری، ۱۳۸۵: ۱۱۵). پولاک نیز معتقد است که شال‌های لطیف ایرانی از طریق یزد و بندرعباس به هندوستان صادر می‌شده است (پولاک، ۱۳۶۸: ۳۳۳). در نامه حاج محمد حسن امین‌الضرب به ابوالقاسم اصفهانی مقیم استانبول صورت فروش شال خراسان و کرمان به شرح زیر آمده است:

جدول ۱: صورت فروش شال در سال ۱۲۸۸ق/۱۸۷۱م (مهدوی و افشار، ۱۳۸۰: ۹۸)

جنس	مقدار	قیمت
شال کرمان	۶ عدل	۵۴ لیره
شال خراسان	۲۱ طاقه	۹۴ لیره
شال خراسان	۴۶ طاقه	۱۳۳ لیره

از صادرات عمده تولیدات محلی خراسان نیز علاوه بر تریاک، پنبه، پشم، فرش و... انواع شال‌های خراسانی بود (عیسوی، ۱۳۶۲: ۱۸۹) که از طریق جاده‌های خراسان و سیستان به روسیه صادر می‌شد. قیمت جنس مرغوب شال در مشهد بین ۸ تا ۱۰ تومان بود. این در حالی است که قیمت شال‌های هندی به ۲ تا ۳ برابر این رقم می‌رسید (پولاک، ۱۳۶۸:

۳۷۹). اگرچه مشهد در این زمان در تولید شال به پای کرمان نمی‌رسد؛ اما در بُعد اقتصادی نقش بسیار مهمی ایفا کرد. وجود ۲۲۰۰ کارخانه‌های عظیم شالبافی و ۲۲۰ کارگاه پشم بافی به ارزش تولیدی ۴۰۰۰۰ تا ۴۵۰۰۰ لیبره گواهی بر ترویج و رونق صنعت شالبافی در مشهد است (عیسوی، ۱۳۶۲: ۴۱۳). در صورت حساب امین‌الضرب به حاجی ابوالقاسم اصفهانی مقیم استانبول قیمت شال‌های خراسانی به قرار زیر است.

جدول ۲: صورت فروش شال در سال ۱۲۸۸ق/ ۱۸۷۱م (مهدوی و افشار، ۱۳۸۰: ۱۰۷)

جنس	مقدار	قیمت
شال ترمه	۱۰ طاقه	۱۶۵/۰۰۰ تومان
شال ترمه محرمات شش رنگ نوزده اعلی	۷ طاقه	۱۰۵/۰۰۰ تومان
شال ترمه راه پهن	۴ طاقه	۴۳/۰۰۰ تومان
شال ترمه اسلیمی	۱ طاقه	۲۰/۰۰۰ تومان

علاوه بر این، شال خراسان به مناطق دیگری همانند طرابوزان نیز صادر می‌شد. این مهم در نامه میرزا عباس تاجر مقیم ارزروم به امین‌الضرب کاملاً مشهود است:

«بریشم مازندران و خراسان و تنباکو و شال که سابق عرض نموده بودم ارسال تبریز شده و از تبریز هم جناب حاجی عبدالحمید در حمل عبدالله زنجانی حاجی آق بابا سدهی ارسال نموده‌اند انشالله بعد از ورود گمرک و عبور به طرف طرابوزان داده ورود و عبورش را مرقوم فرمایید» (مهدوی و افشار، ۱۳۸۰: ۱۸۹).

همان‌طور که بیان شد، شالبافی در اواخر قرن سیزدهم یعنی در سال ۱۲۹۱ق/ ۱۸۷۴م، رونق قابل توجهی داشت؛ دوازده هزار دستگاه شالبافی که حداقل بیست و چهار هزار نفر از جمعیت چهل و یک هزار نفری کرمان در آنها مشغول به کار بودند (وزیری، ۱۳۸۵: ۱۱۵ و ۱۲۱). تجارت پر سود شال در ایران در سال ۱۲۹۷ق/ ۱۸۸۰م، از گزارش گاستیگی کاملاً

مشهود است. طبق برآورد وی، یک شال اعلا که قیمتش در بازار معادل ۵۰ لیبره استرلینگ بود نتیجه کار ۳ بافنده یعنی یک بافنده بالغ و دو کودک در طول یک سال است. مزد سالیانه این سه بافنده در سال معادل ۲۰ لیبره استرلینگ بود و ۵ لیبره صرف مواد اولیه می‌شد. به این ترتیب نصف قیمت شال در بازار سودی بود که صاحبان سرمایه به جیب می‌زدند و این یعنی نرخ گشت سرمایه‌ای معادل ۱۰۰ درصد در حالی که ارزش محصول تمام شده در بازار معادل ۴۰ درصد بوده است (سیف، ۱۳۷۳: ۱۹۲). بدین ترتیب تا پایان قرن ۱۹م/۱۳ق، هزار کارگاه ابریشم بافی در کرمان با صادرات سالانه ۳۰۰/۰۰۰ هزار تومان و دویست کارگاه پشم بافی در نایین و سیصد دستگاه کارگاه در کرمان و دویست کارگاه ابریشم بافی در کاشان با محصول ماهانه چهارصد عدل وجود داشت (عیسوی، ۱۳۶۲: ۴۱۴). در جدول صادرات ایران در سال ۱۳۰۶ق/۱۸۸۹م، فرش با ۳۰۰/۰۰۰ تومان در رتبه سوم صادرات ایران قرار داشت و شال با ۳۵/۰۰۰ تومان جایگاه بیست و دوم را نشان می‌دهد و محصولات پشمی با ۱۰۰/۰۰۰ تومان به همراه چهار محصول دیگر در جایگاه نهم قرار داشتند. در این جدول تریاک با ۱/۹۰۰/۰۰۰ تومان در مقام اول و ابریشم خام با ۱/۳۰۰/۰۰۰ تومان در رتبه دوم قرار دارند (کرزن، ۱۳۸۰: ۶۶۵/۲). چارلز عیسوی نیز صادرات منسوجات ابریشمی که شال نیز جزء آن شمرده می‌شد، شامل ۱۵۰/۰۰۰ الی ۱۸۰/۰۰۰ هزار لیبره و واردات آن نیز در حدود ۳۸۰/۰۰۰ الی ۴۲۰/۰۰۰ هزار لیبره در سال ۱۳۱۷ق/۱۹۰۰م، تخمین زده است (عیسوی، ۱۳۶۲: ۲۰۷). همچنین گلیدو نیوکومن که در رأس یک هیأت تجاری از ایالات جنوب شرقی ایران بازدید کرد در سال ۱۳۲۱-۱۳۲۲ق/۱۹۰۴-۱۹۰۵م، مدعی شد که «تولید شال کرمان در سال، معادل ۶۰/۰۰۰ لیبره یا ۳۶۰/۰۰۰ هزار تومان است و کلاً سه هزار دار بافندگی را در بر می‌گیرد» (سیف، ۱۳۷۳: ۱۷۸).

میزان صادرات شال از منطقه خراسان به نقاط مختلف را می‌توان از گزارشات و اسناد کنسولی به جای مانده پی برد. این اسناد اقتصادی نشان می‌دهد که شال از مهم‌ترین اقلام صادراتی خراسان بوده است. جدول زیر میزان صادرات شال را در حدود سال‌های ۱۸۹۳-۱۹۰۸م/۱۳۱۱-۱۳۲۶ق نشان می‌دهد.

جدول ۳: رقم صادرات شال از خراسان

منبع	کشور	رقم به استرلینگ	رقم به تومان	سال
No.1429 Annual Series Diplomatic and Consular Reports. Persia. REPORT FOR THE YEAR 1893-4 ON THE TRADE OF THE DISTRICT OF THE CONSULATE GENERAL AT MESHED. page10.	روسیه	۵/۶۹۴	۳۰/۷۵۰	-۱۸۹۳ -۱۳۱۱/م۱۸۹۴ ق۱۳۱۲
No.2921 Annual Series Diplomatic and Consular Reports. Persia. REPORT ON THE TRADE OF KHORASSAN FOR THE YEAR 1901-2. page 24.	افغانستان	۱/۳۸۳	۶/۹۱۳	-۱۹۰۰ -۱۳۱۸/م۱۹۰۱ ق۱۳۱۹
No.4162 Annual Series Diplomatic and Consular Reports. Persia. REPORT FOR THE YEAR 1907-8 ON THE TRADE OF KHORASAN. page 896.	روسیه	۲۸/۳۵۳	۶/۳۴۳	-۱۹۰۵ -۱۳۲۳/م۱۹۰۶ ق۱۳۲۴
No.4162 Annual Series Diplomatic and Consular Reports. Persia. REPORT FOR THE YEAR 1907-8 ON THE TRADE OF KHORASAN page 896..	روسیه	۱۴۳	۶۹	-۱۹۰۶ -۱۳۲۴/م۱۹۰۷ ق۱۳۲۵
No.4162 Annual Series Diplomatic and Consular Reports. Persia. REPORT FOR THE YEAR 1907-8 ON THE TRADE OF KHORASAN. page 896.	روسیه	۲۵۳	۲۰۰	-۱۹۰۷ -۱۳۲۵/م۱۹۰۸ ق۱۳۲۶

در پایان این بخش به منظور فهم بهتر برای اهمیت شال در زمینه ارز آوری می‌بایست میزان درآمد کل گمرکات کشور در دوره قاجار را نیز مورد بررسی قرار داد؛ چرا که شال از جمله کالاهایی بوده که به خارج از کشور صادر می‌شده و به نوعی جزء درآمد گمرکات محسوب می‌شده است. جدول زیر نشان از میزان درآمد گمرکات دولت در بین سال‌های ۱۲۲۱-۱۳۲۵ ق / ۱۸۰۷-۱۹۰۷ م، دارد.

جدول ۴- میزان درآمد گمرکات دولت در سال‌های ۱۲۲۱-۱۳۲۵ ق / ۱۸۰۷-۱۹۰۷ م
(عیسوی، ۱۳۶۲: ۱۱۰)

سال	رقم به تومان	رقم به پوند
۱۲۲۱ ق / ۱۸۰۷ م	۲/۰۰۰/۰۰۰	۲/۰۰۰/۰۰۰
۱۲۴۷ ق / ۱۸۳۲ م	۲/۸۹۰/۰۰۰	۱/۵۰۰/۰۰۰
۱۲۵۱ ق / ۱۸۳۶ م	۲/۴۶۱/۰۰۰	۱/۲۳۰/۵۰۰
۱۲۵۴ ق / ۱۸۳۹ م	۳/۴۵۳/۰۰۰	۱/۷۲۶/۵۰۰
۱۲۶۷ ق / ۱۸۵۱ م	۳/۰۰۰/۰۰۰	۱/۵۰۰/۰۰۰
۱۲۶۸ ق / ۱۸۵۲ م	۳/۱۷۷/۰۰۰	۱/۵۸۸/۵۰۰
۱۲۶۹ ق / ۱۸۵۳ م	۳/۳۶۷/۰۰۰	۱/۶۸۳/۵۰۰
۱۲۸۵ ق / ۱۸۶۹ م	۴/۹۱۲/۰۰۰	۱/۹۲۶/۲۷۴
۱۲۹۲ ق / ۱۸۷۶ م	۴/۷۵۰/۰۰۰	۱/۹۰۰/۰۰۰
۱۳۰۱ ق / ۱۸۸۴ م	۵/۰۸۰/۰۰۰	۱/۶۹۳/۳۳۳
۱۳۰۲ ق / ۱۸۸۵ م	۵/۵۸۴/۳۳۵	۱/۸۶۱/۴۴۵
۱۳۰۳ ق / ۱۸۸۶ م	۵/۵۰۰/۰۰۰	۱/۶۷۰/۰۰۰
۱۳۰۶ ق / ۱۸۸۹ م	۵/۵۳۷/۰۰۰	۱/۶۵۲/۸۲۰
۱۳۱۲ ق / ۱۸۹۵ م	۶/۸۶۴/۰۰۰	۱/۳۷۲/۹۹۴
۱۳۲۵ ق / ۱۹۰۷ م	۸/۰۰۰/۰۰۰	۱/۴۵۴/۵۴۵

۲-۴- رکود تجارت شال

همان گونه که در مباحث قبل اشاره شد، روند تجارت شال در نیمه‌ی دوم قرن ۱۹م/۱۳ق نوسانات شدیدی به همراه داشته است. در مقطعی از این دوره‌ی تاریخی، اقتصاد شال سیر نزولی طی کرده است. اطلاعات اقتصادی حاکی از آن است که در مقطع زمانی پس از صدارت امیرکبیر، تولید و تجارت شال رو به زوال رفته است. علت اصلی این رکود، عدم حمایت قابل توجه دیگر دولت‌مردان به مسئله‌ی صنایع کشور بود (مستوفی، ۱۳۸۴: ۷۵/۱). به واقع پس از قتل امیرکبیر رشد این صنعت در شهرهای صنعتی کشور متوقف گردید؛ تا آنجا که از ۱۲۰۰ کارگاهی که در گذشته در کرمان دایر بود، تنها ۲۰۰ کارگاه باقی ماند (خانیکوف، ۱۳۷۵: ۲۱۱). علت دیگر کاهش تولید شال ایران در این برهه‌ی زمانی، تولید فراوان و فروش بسیار ارزان شال‌های اروپایی است که تقلیدی از همین شال‌هاست (خانیکوف، ۱۳۷۵: ۲۱۱).

در حوالی سال‌های ۱۲۷۶-۱۲۸۶ق / ۱۸۵۹-۱۸۶۹م، که پارچه‌های کارخانه انگلیسی به بازارهای جنوب رسید تعداد دستگاه‌های بافندگی دستی در شهرهای ایران تنزل یافت. مثلاً در شیراز دستگاه‌های بافندگی دستی از ۵۰۰ واحد در ۱۲۱۴ق/۱۸۰۰م، به ۱۰ واحد در سال ۱۲۷۳ق/۱۸۵۷م، تقلیل یافت و یا در کاشان واردات مصنوعات انگلیسی کارگاه‌های بزرگ کاشان را نابود کرد (فوران، ۱۳۹۰: ۱۹۸). شالباقی مشهد نیز در طول سال‌های ۱۸۸۹-۱۹۰۴/۱۳۰۶-۱۳۲۱ق، کاهش چشمگیری داشته است. تعداد دارها از ۳۲۰ عدد در سال ۱۳۰۶ق/۱۸۸۹م، در مشهد به ۶۰-۷۰ عدد در سال ۱۳۲۱ق/۱۹۰۴م، رسید که دلیل نزول آن به کاهش تقاضا برای شال مشهد در روسیه و استانبول بر می‌گردد (کرزن، ۱۳۸۰: ۲۳۳/۱؛ سیف، ۱۳۷۳: ۱۷۹).

یکی دیگر از علل رکود شالباقی را باید در تعرفه‌های گمرکی دانست. بر اساس قرارداد گمرکی ۱۳۲۰ق/۱۹۰۲م، مابین دولتین ایران و روس صادرات قالی پشمی، پشم و پارچه پشمی و نیز واردات پشم آزاد شد و برای واردات بر قالی پشمی و پارچه به ترتیب ۳ و ۸ قران حق گمرک بسته شده بود (جمال‌زاده، ۱۹۱۵: ۴۰). به همین علت پشم انبوهی به

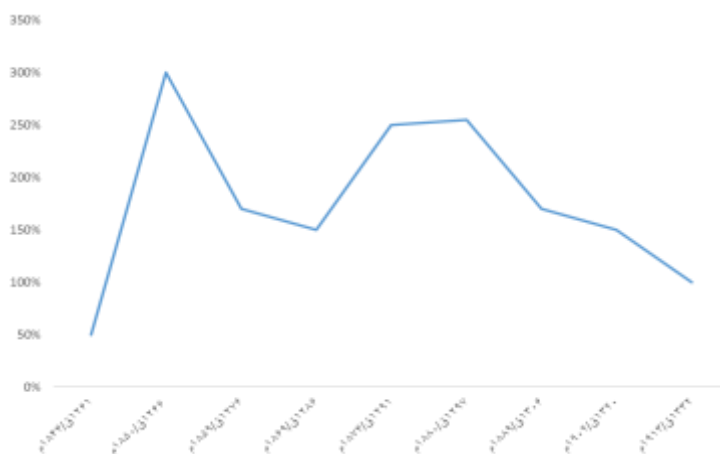
کشورهای اروپایی و به خصوص به روسیه، هند، انگلستان و عثمانی صادر می‌شد (جمالزاده، ۱۹۱۵: ۳۳) و به صورت کالای پشمی به کشور باز می‌گشت و به همین دلیل صنایع پشمی داخلی از این رویه ضربه شدیدی خورد. با تقلیل نرخ تعرفه گمرکی به نفع دولت روسیه کارخانه‌های شعربافی و نساجی های کاشان، اصفهان، یزد، کرمان و خراسان به نابودی کشیده شدند. در واقع با قند و کبریت و شیشه آلات و ریسمان و پارچه‌های ابریشمی و پشمی و نخی روسیه که ارزان‌تر به ایران وارد می‌شد نتوانستند رقابت و مقاومت نمایند و به تعطیلی کشیده شدند (مستوفی، ۱۳۸۴: ۸۳/۳). کاهش دستگاه‌های بافندگی در کشور با تولید شال که در زمرة منسوجات ابریشمی و پشمی قرار می‌گرفت ارتباط مستقیم داشت و بر روی اقتصاد آن تأثیر می‌گذاشت.

رقم صادرات تولیدات ابریشمی در سال‌های ۱۲۶۶-۱۳۳۲ق / ۱۸۵۰-۱۹۱۳م، مبلغ ۱/۰۶۱/۰۰۰ تالر است. جدول زیر میزان درصد صادرات ابریشم و تولیدات آن را در فاصله سال‌های ۱۲۶۶-۱۳۳۲ق / ۱۸۵۰-۱۹۱۳م، نشان می‌دهد. این جدول به روشنی میزان نوسانات تولیدات ابریشمی که شال نیز جز آن محسوب می‌شود را نمایان می‌سازد. طبق برآورد چارلز عیسوی اوج رونق تجارت شال در سال‌های صدرات امیرکبیر است و در مقابل آن، رکود اقتصادی شال مربوط به سال‌های منتهی به جنگ جهانی اول در دوره‌ی احمدشاه است.

جدول ۵- درصد صادرات تولیدات ابریشمی (عیسوی، ۱۳۶۲: ۲۰۵-۲۰۶)

سال	درصد
۱۲۶۶ق/۱۸۵۰م	۳۸
۱۲۹۷ق/۱۸۸۰م	۱۸
۱۳۲۹-۱۳۳۲ق/۱۹۱۱-۱۹۱۳م	۵

تحلیل و بررسی‌های انجام شده نشان از آن دارد که صنعت شالبافی در برخی از مواقع زمینه‌آزآوری برای کشور مهیا می‌کرد و در برخی مواقع دیگر با کاهش تولید و در نتیجه واردات شال از کشورهای دیگر همراه بود. بدین گونه می‌توان نتیجه گرفت که اقتصاد شال جز در مقاطعی که رشد چشمگیری به همراه داشت به دلایل متعددی که بیان شد با رکود مواجه بود. علاوه بر این، نمودار زیر می‌تواند گویای روند صعودی و نزولی تجارت شال در دوره‌ی قاجار باشد. این نمودار تجارت شال را در فاصله سال‌های ۱۲۶۱ق/۱۸۴۴م تا ۱۳۳۲ق/۱۹۱۳م نمایان می‌سازد.



نمودار ۱: میزان نوسانات تجارت شال در دوره قاجار

نتیجه

بر طبق آنچه در این مقاله بیان شد می‌توان به نتایج مهمی دست یافت. صنعت شالبافی که از گذشته‌های دور در ایران رواج داشت در عصر قاجار رونق و گسترش بیشتری یافت. حمایت امیرکبیر و دیگر دولت‌مردان قاجار سبب این رونق شد. مهم‌ترین منطقه ایران در زمینه بافت شال، کرمان بود که توانست به تدریج به اقتباس از شال کشمیری هند پردازد.

در اینجا بود که قشر عظیم شالباف در این شهر ظهور یافت و شالبافی به مهم‌ترین کسب و کار مردم کرمان تبدیل شد. پس از کرمان، دو شهر مشهد و کاشان در این صنعت نقش مهمی ایفا کردند. با گسترش شالبافی در کشور، استفاده از آن در بین مردم بیشتر شد و افراد و گروه‌های مختلف جامعه به طرق مختلف از شال استفاده می‌کردند. تزیین لباس مردان و زنان با استفاده از شال، استفاده از آن به عنوان پرداخت کردن مالیات، هدیه دادن شال توسط شاهان و فرمانرایان به مقامات، برای تزیین شتر در روز عید قربان، در آراستن مجموعه‌های مسین یا نقره‌ای بخشی از کاربردهای مهم شال در میان مردم زمان قاجار است که سعی شد در این مقاله به آن پرداخته شود. با گذشت زمان و تسریع روند صنعت شالبافی، تجارت شال نیز در دستور کار دولت قرار گرفت. بر اساس گزارشات و اسناد کنسولی این دوره می‌توان به این نتیجه رسید که شال کرمان و مشهد در کنار دیگر محصولات نظیر ابریشم، خشکبار و صمغ و... به عنوان یکی از اقلام صادراتی محسوب می‌شد. در این زمان شال به کشورهای نظیر ترکیه، افغانستان، روسیه، طرابوزان و سایر کشورها فرستاده می‌شد. البته در مقاطعی کوتاه و بنا به دلایلی، تجارت شال با نوسان شدیدی همراه می‌شد. اگرچه نمی‌توان گفت که شال ارز فوق‌العاده زیادی را برای کشور فراهم می‌کرد؛ اما یکی از محصولات است که در جدول اقلام صادراتی ایران وجود دارد و بدین سبب در این مقاله تلاش شد که جنبه‌های اقتصادی آن موشکافی شود. در آخر به این نکته باید اشاره کرد که امروزه نیز شال و شالبافی از مهم‌ترین صنایع و در زمره منسوجات ابریشمی و پشمی است که کاربرد آن محدود به مواردی شده و تجارت آن در داخل و خارج کشور ادامه دارد.

منابع و مأخذ

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۰)، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، چاپ هجدهم، تهران، نشر نی.
- آدمیت، فریدون و ناطق، هما (۱۳۵۶)، *افکار اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار*، تهران، آگاه.
- ا. اولیویه (۱۳۷۱)، *سفرنامه اولیویه*، ترجمه محمد طاهر میرزا، تصحیح غلامرضا ورهرام، تهران، اطلاعات.
- اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان (۱۳۶۷)، *مرآت البلدان*، به کوشش عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، جلد ۱-۲، تهران، دانشگاه تهران.
- بارتولد، و. (۱۳۰۸)، *تذکره جغرافیائی بارتولد*، ترجمه حمزه سردادور (طالب زاده)، تهران، چاپخانه اتحادیه تهران.
- براون، ادوارد گرانویل (۱۳۸۱)، *یک سال در میان ایرانیان*، ترجمه مانی صالحی علامه، تهران، نشر ماه ریز.
- بروگش، هینریش (۱۳۷۴)، *در سرزمین آفتاب*، ترجمه مجید جلیلود، تهران، مرکز.
- بیکر، پاتریشیا (۱۳۸۵)، *منسوجات اسلامی*، ترجمه مهناز شایسته فر، تهران، مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.
- بیگدلی، علی و صحت منش، رضا (بهار ۱۳۹۴)، «*شال باقی کرمان در دوره قاجار (۱۲۹۶-۱۲۰۹)*»، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی دانشگاه اصفهان، سال هفتم، شماره اول، صص ۱-۱۸.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸)، *سفرنامه پولاک (ایران و ایرانیان)*، ترجمه کیکاووس جهاننداری، چاپ دوم، تهران، خوارزمی.
- جمال زاده، محمد علی (۱۹۱۵)، *گنج شایگان (اوضاع اقتصادی ایران)*، برلین، کاوه.
- خانیکوف، نیکولای ولادیمیروویچ (۱۳۷۵)، *سفرنامه خانیکوف*، مترجمان اقدس یغمائی و

- ابوالقاسم بیگناه، مشهد، آستان قدس رضوی.
- دالمانی، هانری رونه (۱۳۳۵)، *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*، ترجمه محمدعلی فره وشی، تهران، امیرکبیر.
 - دروویل، گاسپار (۱۳۶۵)، *سفر در ایران*، ترجمه منوچهر اعتماد مقدم، چاپ سوم، تهران، شبابویز.
 - دلاواله، پیتر (۱۳۷۰)، *سفرنامه پیتر و دلاواله*، ترجمه شجاع‌الدین شفا، چاپ دوم، تهران، علمی و فرهنگی.
 - رزاقی، ابراهیم (۱۳۶۷)، *اقتصاد ایران*، تهران، نشر نی.
 - روششوار، ژولین دو (۱۳۷۸)، *خاطرات سفر ایران*، ترجمه مهراں توکلی، تهران، نشر نی.
 - سایکس، سرپرسی (۱۳۶۳)، *سفرنامه ژنرال سرپرسی سایکس یا ده هزار میل در ایران*، ترجمه حسین سعادت نوری، تهران، لوحه.
 - سعیدی سیرجانی، علی اکبر (۱۳۸۳)، *وقایع اتفاقیه*، چاپ چهارم، تهران، آسیم.
 - سولتیکیف، الکسیس (۱۳۶۵)، *مسافرت به ایران*، ترجمه محسن صبا، چاپ دوم، تهران، علمی و فرهنگی.
 - سیاح، محمد علی (۲۵۳۶)، *خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت*، تصحیح سیف الله گلکار، چاپ دوم، تهران، امیرکبیر.
 - سیف، احمد (۱۳۷۳)، *اقتصاد ایران در قرن نوزدهم*، تهران، چشمه.
 - شیل، لیدی مری (۱۳۶۸)، *خاطرات لیدی شیل*، ترجمه حسین ابوترابیان، چاپ دوم، تهران، نشر نو.
 - عطائی، عبدالله (بهار ۱۳۸۷)، «رساله در فن ثالبافی نوشته حاجی مختار شاه کتسمیری»، مجله میراث ملل، دوره جدید، سال ششم، شماره اول، صص ۳۹۳-۴۱۲.
 - عیسوی، چارلز (۱۳۶۲)، *تاریخ اقتصادی ایران عصر قاجار (۱۳۱۵-۱۳۳۲ق)*، ترجمه یعقوب آژند، تهران، گستره.

- فلاندن، اوژن (۱۳۳۴)، *سفرنامه اوژن فلاندن به ایران در سال‌های ۱۸۴۰-۱۸۴۱*، ترجمه حسین نور صادقی، چاپ دوم، تهران، چاپخانه روزنامه نقش جهان.
- فوران، جان (۱۳۹۰)، *مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی مطابق با ۸۷۹ شمسی تا انقلاب*، ترجمه احمد تدین، چاپ یازدهم، تهران، خدمات فرهنگی رسا.
- کرزن، جورج ناتانیل (۱۳۸۰)، *ایران و قضیه ایران*، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، ۲ جلد، چاپ پنجم، تهران، علمی و فرهنگی.
- کلانتر ضرابی، عبدالرحیم (۱۳۴۱)، *تاریخ کاشان (مرآت القاسان)*، به کوشش ایرج افشار، چاپ دوم، تهران، فرهنگ ایران زمین.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۸۴)، *شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه*، جلد ۱-۲-۳، چاپ پنجم، تهران، زوار.
- مهدوی، اصغر و افشار، ایرج (۱۳۸۰)، *اسناد تجارت ایران در سال ۱۲۸۷ قمری*، تهران، علمی و فرهنگی.
- وزیری کرمانی، احمدعلی خان (۱۳۸۵)، *جغرافیای کرمان*، تصحیح محمد ابراهیم باستانی پاریزی، چاپ پنجم، تهران، نشر علمی.
- ویلز (۱۳۶۸)، *ایران در یک قرن پیش (سفرنامه دکتر ویلز)*، ترجمه غلامحسین قراگوزلو، تهران، اقبال.

- No.4162 Annual Series Diplomatic and Consular Reports. Persia. **REPORT FOR THE YEAR 1907-8 ON THE TRADE OF KHORASAN**. Edited at Foreign Office and Board of Trade. Reference to Previous Report Annual Series No 4006.
- No.1429 Annual Series Diplomatic and Consular Reports. Persia. **REPORT FOR THE YEAR 1893-4 ON THE TRADE OF THE DISTRICT OF THE CONSULATE GENERAL AT MESHED**. Edited at Foreign Office and Board of Trade. Reference to Previous Report Annual Series No 1268.

- No.2921 Annual Series Diplomatic and Consular Reports. Persia. **REPORT ON THE TRADE OF KHORASSAN FOR THE YEAR 1901-2** by *Laeutenant-Colonel T.F Whyte Acting British Consul General at MESHED*. Edited at Foreign Office and Board of Trade. Reference to Previous Report Annual Series No 2533.